

# نقش شرکتهای تعاونی در تامین اشتغال

از: ابوالقاسم سلیمانی

کارشناس اداره کل تعاون استان مازندران

کنند که چنانچه بخش عمده‌ای از نیروی اشتغال می‌گردد و لذا در همین جاست که مشکل تلفیق و ترکیب سرمایه و نیروی کار بوجود می‌آید. در نتیجه باید الگوی مناسبی را جهت ایجاد زمینه مناسب اشتغال انتخاب نمود. تکنولوژی، سمن اینکه خود موجب اشتغال می‌شود، به‌دوان یکی از موانع آن نیز به شمار می‌رود زیرا روز به روز از سهم نیروی انسانی می‌کاهد و این مسئله با توجه به وجود نیروهای انسانی فراوان و پایین بودن سطح تکنولوژی در ممالک جهان سوم، انتخاب یک الگوی مناسب که ترکیبی صحیح از نیروی کار و سرمایه را شامل شود بسیار مشکل می‌سازد.

## ۲- عدم توسعه کشاورزی و صنعتی به نحو مطلوب:

ترکیب این دو نوع توسعه در ممالک جهان سوم به نحو مطلوب صورت نگرفته و نمی‌گیرد. لذا باعث بروز مشکلات فراوان در زمینه اشتغال شده است.

ممالک در حال توسعه، از یک طرف در زمینه مواد غذایی وابسته هستند و از سوی دیگر اکثر سرمایه‌گذاری در قسمت صنعتی صورت می‌گیرد و آن هم صنعتی که برخاسته از نیازها و ضروریات جامعه مربوط نیست بلکه صناعی است که پاسخگوی سرمایه‌گذاری هستند نه رفع نیازهای فردی جامعه. در حالی که در ممالک توسعه یافته، اولین قدم پیشرفت و توسعه، در زمینه تولید مواد غذایی و کشاورزی بوده است. در این گونه ممالک ازدیاد مواد غذایی و مهاجرت روستائیان به شهرها و اشتغال در بخش صنعتی، موجب گسترش صنعت به موازات کشاورزی شده است.

اما این امر در جوامع در حال توسعه که از عدم توجه کافی به کشاورزی ناشی شده، باعث مهاجرت به شهرها گردید و این روند نه تنها موجب گسترش صنعتی نشد، بلکه خود موجب نابودی و اضمحلال بخش کشاورزی و گسترش سرطان گونه بخش خدمات می‌گردید.

## ۱- مسئله ترکیب سرمایه و نیروی کار:

در این گونه ممالک رشد جمعیت بسیار بالاست و نیروهای انسانی جوان و آماده به کار و یا جویای کار در مقیاس بالایی یافت می‌شود و همه ساله تعداد آنها فزونی می‌گیرد. این افزایش خود آثار و عواقب سوئی را به جا می‌گذارد که در این مقاله کوتاه از بیان آن صرف نظر می‌کنیم. آنچه می‌توان در این مورد گفت افزایش خیل بیکاران است که مسائل و مشکلات متعددی را برای سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان ایجاد می‌کند و باعث بروز معضلات اجتماعی و فرهنگی فراوانی نیز می‌شود.

توجه به اثرات نیروی انسانی در توسعه اقتصادی و دگرگونی وضع موجود طلب می‌کند که در زمینه اشتغال آنان اقدام صورت گیرد. از طرفی شرط لازم ایجاد زمینه مساعد جهت اشتغال، سرمایه‌گذاری است.

روح و بافت سرمایه‌گذاری امروز مستلزم دخالت تکنولوژی است و در این راستا سعی می‌شود از بهترین و جدیدترین وسایل استفاده

پیش از پرداختن به نقش و اثر شرکتهای تعاونی در تامین اشتغال، لازم است به صورت مجمل به موانع عمده برنامه‌ریزی عموماً، و برنامه‌ریزی در زمینه اشتغال نیروی انسانی خصوصاً اشاره‌ای شود.

به طور کلی موانع عمده برنامه‌ریزی در ممالک جهان سوم را می‌توان کمبود منابع مالی و اعتباری، فقدان اشخاص یا نیروهای ماهر و تربیت شده و سطح و میزان پایین شکل‌گیری و جذب سرمایه دانست.

برنامه‌ریزی در زمینه اشتغال نیروی انسانی از این موانع مصون نمانده و همیشه تحت تأثیر مستقیم آن بوده است. از آنجا که یکی از شاخصها و معیارهای عمده تعیین توسعه یافتگی یک کشور میزان بالای اشتغال و قدرت اشتغال‌زایی در آن جامعه است، در این مقاله ابتدا اشاره‌ای به مسائل شغلی در ایران که تقریباً مبتلا به اکثریت قریب به اتفاق ممالک جهان سوم است خواهیم داشت. منظور از اشتغال در این مقاله اشتغال مولد است که باید متناسب با بخشهای مختلف اقتصادی در جامعه وجود داشته باشد. اهم این مشکلات بشرح ذیل می‌باشد:

تعاون اقتصاد جمهوری اسلامی ایران به وضوح می‌توان دریافت که سیاست‌گزاران و مجریان وزارت متبوع کاملاً در جهت ایجاد زمینه اشتغال و آن هم از نوع اشتغال سازنده اقتصادی - اجتماعی حرکت می‌کنند. در ماده یک قانون بخش تعاونی، اهداف بخش تعاون که رابطه مستقیم با اشتغال افراد جامعه دارد، در بندهای ۱ و ۲ و ۵ به صراحت بیان شده است که عبارت است از:

- ایجاد و تامین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل،
- قراردادن وسائل کار در اختیار کسانی که قادر به کارند ولی وسائل کار ندارند،
- قرار گرفتن مدیریت و سرمایه و منافع حاصله در اختیار نیروی کار و تشویق به بهره‌برداری مستقیم از حاصل کار خود.

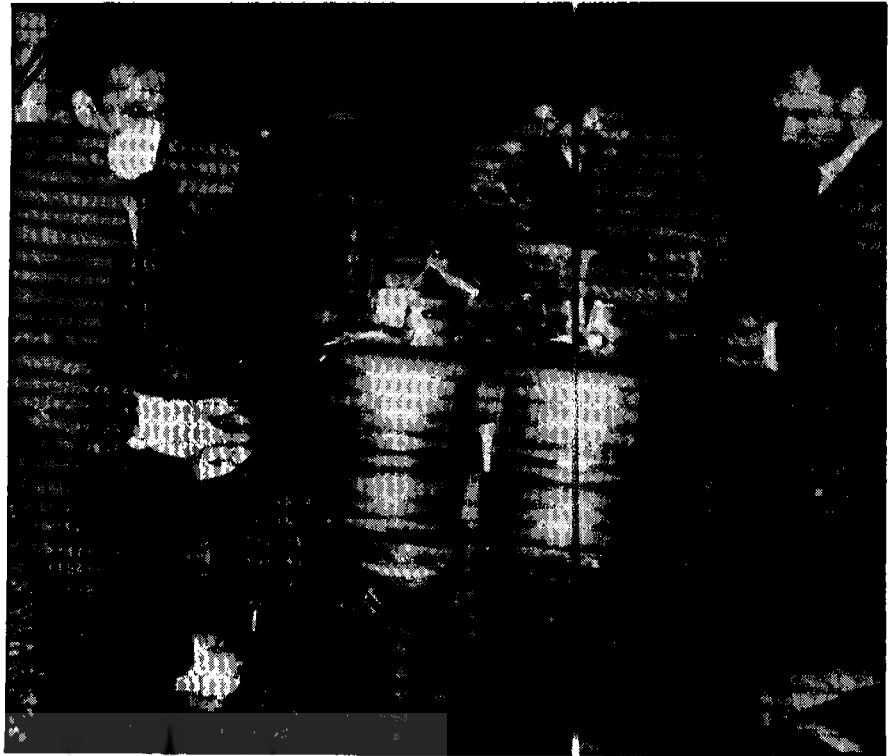
البته در مواد و بندهای دیگر این قانون نیز به مسئله اشتغال پرداخته شده است.

تهیه و تنظیم این اهداف کاملاً با امکانات بالقوه جامعه (به خصوص نیروی انسانی بیکار و مستعد) در رابطه است. قرار دادن وسایل کار و امکانات مالی و اعتباری در اختیار نیروی انسانی علاقه‌مند و مستعد ولی بیکار در قالب جامعه در اینجا اهداف مطروحه را در رابطه با موانع و مسائل اشتغال که بیشتر ذکر آنها رفت بیان می‌داریم.

### ۱- ترکیب سرمایه و نیروی انسانی در شرکتهای تعاونی:

در قانون بخش تعاونی و اساسنامه‌های شرکتهای تعاونی و همچنین آئین‌نامه‌های مربوط از لحاظ حد نصاب، میزانی برای حداقل و حداکثر تعداد اعضاء با توجه به نوع و ماهیت خاص هر یک از شرکتهای تعاونی در نظر گرفته شده است. علاوه بر آن پیش‌بینی گردیده که اعضاء به ویژه در تعاونیهای تولیدی باید تخصص یا سابقه تجربی لازم را داشته باشند.

از طرفی توجه به اشتغال اعضاء در تعاونیهای تولیدی به عنوان شرط لازم جهت



دیگر با کمبود نیروی کار متخصص مواجه می‌باشند. این امر خود معلول عدم دسترسی به امکانات آموزشی، و مراکز تعلیم و تربیت، کمبود فضاهای آموزشی، توزیع نامناسب امکانات آموزشی و اشتغال به کار نوجوانان در سنین پایین در مراکز روستایی و شهری به دلیل نیازهای اقتصادی، و بسیاری از عوامل دیگر باعث می‌شود که کودکان به عنوان سرمایه‌های آینده کشور و سازندگان آتی جامعه در سنین مورد نظر آموزشهای لازم را پیدا نکنند و در نتیجه بر خیل نیروهای انسانی غیر ماهر روزه روز افزوده می‌شود که در جهت رسیدن به اهداف توسعه نمی‌توانند ایفای نقش کنند، بلکه بر عکس خود از موانع رشد و توسعه تلقی می‌شوند.

البته مسایل و مشکلات فراوان دیگری در زمینه اشتغال و برنامه‌ریزی نیروی انسانی به عنوان یکی از عوامل اجتناب ناپذیر جهت رسیدن به توسعه وجود دارد که در این مختصر ذکر کلیه آنها امکان پذیر نیست. با توجه به مطالب فوق، اینک به نقش شرکتهای تعاونی در تأمین اشتغال می‌پردازیم:

از اهداف مطرح شده در قانون بخش

مهاجرین روستایی که برای یافتن کار سرزمین پدری خود را رها کرده - به شهرها می‌آیند. علیرغم میل باطنی خود - برخلاف استعدادهای درونی خویش تن به کارهای خدماتی می‌دادند و یا به کارهای مغایر با مناسبات اجتماعی گرایش پیدا می‌کنند و عده بسیار زیادی از آنها به صورت دستفروش دوره گرد خرده فروش، بارآش، سیگار فروش و... به نوعی امرار معاش می‌کنند و این امر نه تنها اشتغال سازنده نیست بلکه در دراز مدت بافت سالم اجتماعی، اقتصادی را دستخوش زوال می‌سازد. این نوع اشتغال که در اصطلاح به بیکاری پنهان معروف است، با مهاجرت افراد از روستا به شهر رابطه مستقیمی دارد. بدین معنی که هر چه تعداد مهاجران بیشتر شود به همان نسبت به تعداد مشاغل کاذب و میزان بیکاری پنهان افزوده می‌شود.

### ۳- مسئله کمبود نیروی ماهر و متخصص:

کشورهای جهان سوم از جمله ایران از یک طرف به دلیل رشد بالای جمعیت با تورم نیروی کار غیر ماهر روبرو هستند. و از طرف

عضویت که مورد نظر سیاستگزاران و برنامه‌ریزان می‌باشد، کاملاً" در جهت بهینه سازی ترکیب سرمایه و نیروی انسانی است که هم به اشتغال افراد بی‌کار و مستعد توجه می‌شود و زمینه اشتغال سالم را به وجود می‌آورد، و هم تخصص و مهارت آن‌ها را نیز مد نظر قرار می‌دهد که با تلفیق این دو عامل در دراز مدت، شاهد شکوفائی اقتصادی ملی خواهیم بود.

تعیین حداقل و حداکثر برای عضویت در تعاونیها، الزامی بودن اشتغال اعضاء در شرکتهای تعاونی تولیدی، ممانعت از عضویت مستخدمین رسمی دولت در تعاونیهای تولیدی رعایت تخصص و مهارت به عنوان شرط لازم جهت عضویت در شرکتهای تولیدی، در اختیار گذاشتن ابزار و وسایل کار (تکنولوژی) داشتن حداقل مدرک تحصیلی پایان دوره ابتدایی به منظور عضویت در تعاونیهای تولیدی و شرایطی نظیر این، کاملاً" در جهت اهداف عالی برنامه‌ریزان و دولتمردان که همانا کاهش تعداد بیکاران، استفاده از نیروهای کسارآمد و با علاقه و مستعد، خودکفایی تولیدی، ایجاد زمینه اشتغال سالم برای همه افراد جامعه و تضمین فرصتهای شغلی و... میباشد، تهیه و تنظیم گردیده که تشکیل انواع شرکتهای تعاونی با توجه به مقتضیات و مصالح کشور می‌تواند آینده روشنی را تداعی کند.

انتخاب الگوی مناسب که ترکیبی از نیروی کار و سرمایه باشد هر چند که مشکل به نظر می‌رسد اما با توجه به اهداف مطرح شده در مورد شرکتهای تعاونی تا حد قابل قبولی می‌توان به این مهم دسترسی پیدا کرد.

## ۲- شرکتهای تعاونی و توسعه کشاورزی و صنعتی:

اهداف و سیاستهای کلی نظام در برنامه پنج ساله دوم تکیه بر خودکفایی در زمینه تولیدات کشاورزی و صنعتی است. این امر تحقق نمی‌یابد مگر با تشکل افراد در گروهها و سازمانها و شرکتهای مختلف. از جمله این تشکلهای می‌توان به مجموعه افراد در قالب شرکتهای تعاونی اشاره کرد.

تأسیس و شکل‌گیری انواع شرکتهای تعاونی در سطح روستاها، شهرها و استانها و منطقه در زمینه‌های کشاورزی، دامپروری، صید و صیادی، استخراج و تولیدات معدنی، کارخانجات بزرگ و کوچک در رشته‌های مختلف صنایع با توجه به استعدادها و توان بالقوه مناطق مختلف، نه تنها در دراز مدت باعث رشد و رونق و توسعه بخش کشاورزی و صنعتی در راستای هم می‌شود، بلکه با ایجاد زمینه‌های سالم اشتغال برای عموم جامعه به ویژه جوانان از روند رو به تزاید مهاجرت روستائیان به شهرها و بروز مشکلات خاص

این پدیده تا حد بسیار زیادی جلوگیری می‌شود.

آنچه در این رهگذر باید مد نظر قرار گیرد این است که باید پتانسیل موجود هر منطقه یا استان را شناخت و سپس اقدام به تشکیل شرکتهای تعاونی نمود. به عبارتی باید ضرورتها و امکانات موجود توأم مورد بررسی قرار گرفته تا بتوان با صرف کمترین هزینه بیشتر بهره‌وری را کسب نمود. و این یک اصل ب- پرفته شده در اقتصاد است. تهیه و ارائه کلیات طرح که باید دارای توجهات اقتصادی و اجتماعی باشد دلیلی است بر این مدعا.

## ۳- شرکتهای تعاونی و تامین نیروی ماهر و متخصص:

از آنجایی که کمبود نیروهای متخصص مبتلا به کشور می‌باشد ضروری است در رفع این نقیصه بزرگ برنامه‌ریزیهای سنجیده‌ای صورت گیرد. در همین رابطه وزارت تعاون با پیش‌بینی طرحهای تعاونی در زمینه‌های فنی، حرفه‌ای آمریکا، دانشگاههای مختلف، مدارس غیر انتفاعی، کلاسهای آموزشی کوتاه مدت و بلند مدت، آموزشهای ضمن کار، در اختیار گذاشتن تسهیلات مالی و اعتباری سعی دارد تا حد امکان به تربیت نیروهای متخصص و ماهر پردازد. تشکلی اینگونه شرکتهای تعاونی که از حمایتهای - قوقی، مالی دولت برخوردار است هدفی را دنبال می‌کند که سالیان سال آن اهداف گم نده بودند.

تعیین و پیش‌بینی اعتبارات با شرایط آسان جهت تشکلی شرکتهای تعاونی، نه تنها موجب ایجاد زمینه اشتغال سالم می‌شود بلکه باعث تامین نیروی، انسانی متخصص و ماهر نیز می‌گردد.

نتیجه این که تشکیل شرکتهای تعاونی در زمینه‌های مختلف با عنایت به روحیه عمومی حاکم بر جامعه اسلامی ایران و سابقه تاریخی فراوان در زمینه همکاری و همیاری، بهترین شیوه جهت رسیدن به رشد و توسعه اقتصادی و کاهش بیکاری و ایجاد زمینه‌های سالم اشتغال می‌باشد.





یکی از راه‌های مقابله با فقر، سوسید و پرداخت کمک خرجی به خانواده‌های فقیر شناخته شده است. انتقالات که به صورت سوسید در بسیاری از کشورها با صورت ابزاری جهت کاهش فقر متداول است، هر چند در کوتاه مدت ممکن است مؤثر و مفید واقع شود، در بلند مدت به علت بزرگ شدن حجم آن موجب بروز اختلالات و مشکلات اقتصادی کلان شده و از طریق کاهش رشد اقتصادی، نسل‌های آینده را محکوم به فقر می‌نماید. به طور کلی ثابت شده است که انتقالات و پرداخت سوسیدها، پاسخ مناسبی برای مسئله فقر به ویژه در کشورهای کم درآمد، دارای جمعیت زیاد به حساب نمی‌آید. دلیل اصلی این ادعا همانا حجم بسیار زیاد انتقالات لازم برای کاهش فقر است. در کشور بنگلادش حداقل ۱۵ درصد تولید ناخالص داخلی برای فقرزدایی لازم است و این تازه با این فرض خوش بینانه است که هیچگونه "منفذی" برای رسوخ انتقالات و سوسیدها به طبقات مرفه شهری و بود نداشته باشد (که معمولاً چنین فرضی صحت ندارد) در کشور برزیل فقط ۱/۱ درصد از تولید ناخالص داخلی برای امحاء فقرا کفایت می‌کند ولی به دلیل وجود "منفذ" رسوخ سوسید به طبقات مرفه و هزینه‌های اداری بسیار سنگین اجرای برنامه حجم منابع مورد نیاز بسیار بیشتر از رقم مذکور تخمین زده شده است.

با توجه به محدودیتهای فوق‌الذکر، تنها راه مطمئن و تجربه شده برای رفع محرومیت و فقر افزایش بازدهی دارایی‌های در اختیار فقراست. همان طوریکه گفته شد مهمترین دارایی در اختیار فقرا، نیروی کار نه است و سیاستهای فقرزدایی و رفع محرومیت ناگزیر باید بر این امر متمرکز باشد که با زد این دارایی را افزایش دهد. بازده دارایی در اختیار فقرا از طریق بهبود و ارتقاء سرمایه انسانی آنها افزایش می‌یابد که مستلزم افزایش مهارت و

بهداشت جمعیت فقیر مناطق محروم شهری و روستایی و در اقتصادهای کشاورزی از طریق افزایش دارایی در زمین و ارتقاء بازدهی آن است.

تعاون به صورت شیوه‌ای برای همگرایی اقدامات مختلف محرومیت‌زدایی و از آن جمله افزایش سرمایه انسانی فقرا در مناطق محروم مورد استفاده قرار می‌گیرد، ولی بیش از هر چیز لازم است محدودیتهایی را که نظام تعاونی در فضاهای غیر تعاونی و سرمایه‌داری با آن روبرو می‌شود مورد توجه قرار داده چه در غیر این صورت گسترش تعاونیها با موانع و محدودیتهای جدی روبرو خواهد شده به طور کلی چارچوبهای حقوقی و قانونی بیگانه با مناسبات و الزامات تعاونی، برای عملکرد نظام تعاونی مشکل آفرین و موجد موانع و هزینه‌های غیر لازم است. پاره‌ای از مشکلات تعاونیها در فضاهای سرمایه‌داری و غیر تعاونی به شرح زیر است:

۱- اخذ اعتبار توسط تعاونیها از نظام بانکی و تجاری مرسوم، مشکل و گاه غیر ممکن است، زیرا اقتصاد سرمایه‌داری مانند یک ارگانیزم زنده رفتار می‌کند و عضو بیگانه را نمی‌پذیرد.

۲- مدیران شایسته را بنگاههای سرمایه‌داری با حقوقهای بالاتر از تعاونیها جذب کرده و در نتیجه توان اداره و رقابتهای تعاونیها را کاهش میدهند.

۳- گسروندهای ذینفع ایدئولوژی ناسازگار با نظام تعاونی هموار. در جهتی مغایر با موفقیت تعاونیها فعالیت می‌کنند. در فضای مناسبات پولی سرمایه‌داری، یک بنگاه تعاونی همواره مرتد به حساب می‌آید به طوری که حتی طرفهای تجاری با حسن نیت و مقامات ذی‌علاقه به تعاونی نیز نمی‌دانند چگونه با این مرتد برخورد کنند.

۴- هر گونه توسعه تعاونیهای تولیدی، وقتی نیازمند استخدام نیروی کار جدید باشد موجبات اختلالات اجتماعی را در میان کارکنان تعاونیها فراهم میکند و اعضای مؤسس تعاونیها کارگران تازه وارد به چشم کارگران مزدور نگاه می‌کنند و شرکت تعاونی به تدریج به یک بنگاه معمولی سرمایه‌داری تبدیل شده و دچار سقوط می‌شود.

با توجه به مراتب فوق لازم است استراتژیهایی از سوی تعاونیها و نظام تعاون به طور کلی اتخاذ شود که اولاً "بنگاههای تعاونی ساختار مالی و تولیدی و مدیریتی خود را به گونه‌ای انتخاب و تنظیم کنند که حتی در چارچوب و فضای حقوقی غیر تعاونی و با ضد تعاونی هم از نظر اقتصادی زیست‌مند باشند.

ثانیاً موجبات تکامل و توسعه نظام تعاونی را در اداره اقتصاد کشور به تدریج فراهم نماید و بنگاههای تعاونی علاوه بر زیست‌مندی از قابلیت توسعه نیز برخوردار باشند.